

گزارش

شکل‌گیری هویت جنسیت در شبکه فرهنگی - اجتماعی ۲۹

شکل‌گیری هویت جنسیت در شبکه فرهنگی - اجتماعی ۲۹
مهرماه در جلسه گروه مطالعات زنان انجمن جامعه‌شناسی ایران مورد
نقد و بررسی قرار گرفت.

امیلیا نرسیسیانس، مدیرگروه انسان‌شناسی دانشگاه تهران
موضوعات مورد بحث در حوزه جنسیت را شامل تفاوت‌های جنسیتی
و تبعیض‌های جنسیتی خواند و افزود: در فرهنگ‌های مختلف، مفهوم
تبعیض جنسیتی متفاوت است و تعریف یکسانی از آن وجود ندارد و
می‌تواند در حوزه‌های تفاوت‌های روحی، نظام آموزشی، داوریهای
ارزشی، انگیزه‌ها و دستاوردهای اجتماعی، تفریحات، تخصیص فضا و
زمان، احساس هویت و خلاقیت ادبی و زبان نمود پیدا می‌کند.

وی تأکید کرد: توزیع نابرابر منابع مادی، فرصت‌ها و موقعیت‌های
اجتماعی و فرهنگی و ساختار اجتماعی روی تبعیض جنسیتی اثرگذار
است ضمن آنکه عواملی چون طبقه، قومیت، دین، تحصیلات،
شبکه‌های وابستگی و یا ترکیبی از آنها نیز می‌تواند بر آن موثر باشد.
استادیار دانشگاه تهران با بیان اینکه واقعیت اجتماعی قادر به تولید
ارزش و معنای حاکم و بازنگر موقعیت و منابع سازندگان آن است،
تصریح کرد: برخی از مشاغل به زنان داده نمی‌شود چون براساس
افکار قالبی آنها دارای عواطف ضعیف هستند؛ قادر به تغییر رسوم
اجتماعی نبوده و همیشه نیازمند پذیرش نقش‌های متوازن اند
درحالی که این افکار، بهانه‌ای برای عدم دسترسی به قدرت است.

وی افزود: اما مردان دارای عواطف قوی معرفی می‌شوند تا بتوانند
قدرت و کنترل اوضاع را در دست داشته باشند. آنها از پتانسیل و
احساس ارزشمندی بالای اجتماعی برخوردارند نیازی به توازن نقش‌ها

ندارند.

نرسیسیانس در ادامه به تولیدات اقتصادی و تولیدات مغفول اشاره
کرد و گفت: تولید اقتصادی شامل کالاهایی است که قابلیت داد
و ستد در بازار را داشته و جزء درآمدهای کشور و تولیدات عینی
محسوب می‌شوند و تولیدات مغفول شامل تولیدات مربوط به خانواده
مثل خانه داری، تولیدات مربوط به سامان دهی امور جنسی، تولیدات
مربوط به هنجارها و قوانین فرهنگی و دانش درون‌زا است که توسط
زنان ایجاد می‌شود ولی درآمدزا نیست.

وی تأکید کرد: زنان اکثر اوقات از تولیدات خود محروم و بی بهره
هستند.

مدیرگروه انسان‌شناسی دانشگاه تهران در بخش دیگر از سخنانش
درباره رفتارهای جنسیتی گفت: رفتارهای زنان و مردان حاصل سلسله
مراتبی است که در جوامع مختلف وجود دارد و در اغلب اوقات،
انتظارات اجتماعی از جنس‌های مختلف براساس فیزیک بدن افراد
صورت می‌گیرد.

وی خاطر نشان کرد: جنس مقوله‌ای اجتماعی است و به همین
دلیل می‌تواند در حکم یک واقعیت اجتماعی باشد و از آنجا که جامعه
نسبت به جنسیت عکس‌العمل نشان می‌دهد، جنس در حکم یک
نشانه‌گر است که رفتار براساس آن تعریف می‌شود و صورت می
گیرد.

نرسیسیانس با اشاره به مفهوم خود اجتماعی گفت: خود اجتماعی
روندی است که طی آن افراد نقش‌های را می‌پذیرند و در گروه‌های
اجتماعی آنها را درون فکری می‌کنند که ترکیبی از جنس، دین،



سیاسی، فرهنگ و جنسیتی در موقعیت فرودست قرار داده شده است و جایگاه ویدر علوم انسانی از دیدگاه مردانه توصیف شده است و استعاره‌ها و مقوله بندی‌های مذکرانه در مورد زن با هدف طبیعی جلوه دادن فرودستی زنان بر پایه اصل قدرت و سلطه، آسیب پذیر بودن زنان و متکی و حاشیه ای بودن و دستور گیرنده و مطیع بودن زن خلق و تنظیم شده است.

وی افزود: در مقابل مدل شالوده شکن فاعلی معتقد است که باید ارزیابی مجددی از مفهوم قدرت داشت و جا انداختن هویت زنانه در دنیای مردانه، مطرح کردن هویت‌های دیگر است. آنان معتقدند که زنان و مردان به عنوان کنشگران فعال می‌توانند هویت خلق کنند، ساخت فرهنگی و نمادین هویت غالب را در جامعه نپذیرند و از حالت ناتوانی‌های اجتماعی- فرهنگی و غیره خارج شوند.

استادیار دانشگاه تهران درباره نگاه پارادایم هم ساخت گرا به این مقوله گفت: این نظریه، مفاهیم مونث و مذکر مقولات اجتماعی می‌داند که توسط جامعه ایجاد شده است. آنها سلیقه ای بودن نمادها، رویاها و ارزشهای درباره زنان و مردان را می‌پذیرند و معتقدند که زن و یا مرد بودن در مفهوم جنسیت در روند اجتماعی کاملا امکان پذیر است.

وی در پایان این سوال را مطرح کرد که کدامیک از این پارادایم می‌تواند در جامعه ما کارکرد داشته باشد.

تحصیلات و مانند آن است.

وی با اشاره به مفهوم "مرا" در خود اجتماعی گفت: "مرا" بازنمایانگر مجموعه ای از نقطه نظرات سازمان داده شده ای است که جنبه عادی، قراردادی و بدیهی دارند و اگر در جامعه "مرا"های مختلفی وجود داشته باشد، فرا تعیین فرد را محدود به ایستایی و نقش‌های محدود در برابر تمامیت ناپذیری می‌کند. به عنوان مثال "زنی که تحصیل می‌کند، نمی‌تواند مادر خوبی باشد" و "از سوی دیگر زن با سواد، فرزندانش را بهتر تربیت می‌کند" از جمله مراهای موجود در جامعه است که فراتعیینی چون "یک زن تحصیل کرده هم می‌تواند مادر خوبی هم باشد" دارد.

استادیار دانشگاه تهران یاد آور شد: زنان به علت نقش تعدیل کننده ای که دارند، همواره در برابر نقشهای مقابلشان، رفتارهای تعدیل شده را ایفا می‌کنند.

وی افزود: زنان موقعیت مردان را از لحاظ تصمیم گیری‌ها و آزادی عمل ندارند و به خاطر نقش تعدیل کننده ای که دارند، نمی‌توانند به برنامه‌ها و اولویت‌های خود وفادار بمانند در واقع آنها امور زندگی خود را طوری کنترل می‌کنند که هم منافع خود و هم جامعه را حفظ کنند.

نرسیاسانس درباره توصیف زن در مدل‌های شالوده شکن مفعولی گفت: براساس این الگوی تاریخی، زن از لحاظ اقتصادی، اجتماعی،